

پژوهش‌های حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۶

هزار و سیصد و نود و هفت - زمستان

- ۷ رعایت اصل رقابت در انعقاد قراردادهای اداری
دکتر حسن ناعمه
- ۳۷ تروریسم دولتی: پندار یا واقعیت؟!
نواب محمدی ده‌چشمه
- ۶۹ مطالعه تطبیقی معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر در حقوق ایران و انگلستان
محسن جعفری بهزادکلای - دکتر حمید ابهری
- ۸۷ رعایت الزامات حقوقی و قانونی در قراردادهای جدید نفتی ایران (I.P.C.)
مهدی حقیقیان - دکتر علیرضا ابراهیم‌گل
- ۱۰۷ حقوق ایران نسبت به نقاط مداری از دیدگاه حقوق بین‌الملل
فرناز فروتنیان شهربابکی - دکتر فاطمه فتح‌پور
- ۱۳۳ جایگاه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در میان منابع حقوق بین‌الملل
جمشید مظاهری
- ۱۵۹ آثار حقوقی تصمیم خروج کشورهای آفریقایی از دیوان بین‌المللی کیفری
محمد علیپور
- ۱۸۹ واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت‌بار در ایران
دکتر محمدباقر مقدسی - دکتر محمد فرجیها
- ۲۱۱ تعویق صدور حکم و آثار آن
محمدجواد علیزاده گودرزی - دکتر ابوالفتح خالقی
- ۲۳۷ نقش بیوتکنولوژی در برآورده شدن حق انسان‌ها بر تغذیه
سیده کیانا بنی‌کمالی
- ۲۵۵ جنایات جنگی سایبری
نگارنده: دیوید فیدلر - ترجمه: امین زحمتکش





آثار حقوقی تصمیم خروج کشورهای آفریقایی از دیوان بین‌المللی کیفری

محمد علیپور*

چکیده:

پس از تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری و تحقق آرزوی چندین‌ساله جامعه جهانی مبنی بر وجود یک مرجع کیفری بین‌المللی، انتظار می‌رفت که این نهاد رفته‌رفته به نقطه عطفی برای مبارزه با بی‌کیفری در جهان تبدیل شود. به‌خصوص در رابطه با کشورهایی که از نقض شدید حقوق بشر رنج می‌برند؛ اما رسیدگی به پرونده‌هایی که موضوع آن صرفاً کشورهای آفریقایی است، اعتراض گروه قابل‌توجهی از کشورهای آفریقایی را برانگیخت. این گروه، دیوان را به‌گزینشی عمل کردن متهم می‌کنند و دیوان را وسیله‌ای در دست غرب، جهت اعمال تبعیض و بی‌عدالتی نسبت به مقامات و ملت‌های آفریقایی تلقی می‌کنند و از آن با عنوان استعمار نو یاد می‌کنند. لذا برای مقابله با آن ایده خروج از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را مطرح ساختند. عملی ساختن این ایده، بی‌تردید آثار حقوقی جدی و مهمی هم برای آینده دیوان و هم برای قاره آفریقا در پی خواهد داشت. در قبال این تصمیم، واکنش‌های تند و بعضاً شدیدی از سوی جامعه جهانی وجود داشته است که ادعای آفریقایی‌ها را مستند و مدلل نمی‌دانند و اساس ادعای آنان و تصمیم خروج را بهانه‌ای برای فرار از عدالت قلمداد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها:

خروج از اساسنامه رم، دیوان بین‌المللی کیفری، عدالت کیفری جهانی، بی‌کیفری.

مقدمه

سیر تحولات روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم به سوی حاکمیت قانون پیش رفته و قواعد حقوق بین‌الملل بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. این نگرش از آنجا ناشی شده که جامعه بشری دریافته است که برای استقرار صلح و امنیت و در نتیجه، توسعه جهانی، حاکمیت قانون ضروری می‌نماید. نسل‌کشی در رواندا و جنایت‌های جنگی پر شمار در یوگسلاوی که نمونه‌ای از رویدادهایی بود که در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ رخ داد، دورنمایی هراس‌انگیز از جهان در سده بیست و یکم ترسیم می‌کرد و این بیم را افزایش می‌داد که در سایه جنگ‌افزارهای پیشرفته انواع جنایت‌ها رخ دهد، کشتار همگانی صورت گیرد و کرامت انسانی پایمال شود. جنایات ارتكابی در قرن بیستم که منتهی به بزهدیدگی میلیون‌ها تن در سرتاسر جهان شد، لزوم اتخاذ تدابیر کارآمد را برای پیشگیری از تکرار این فجایع مطرح نمود.^۱ نخستین نمونه‌های دادگاه‌های بین‌المللی را می‌توان در تشکیل محکمه‌های نورنبرگ و توکیو در دهه ۱۹۹۰ دانست. این راهکار به‌عنوان سیاست عملی جامعه جهانی پیگیری شد و دادگاه‌های ویژه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایت‌های رخ داده در یوگسلاوی و رواندا برپا شد تشکیل این محاکم نشان داد که تعقیب جرایم بین‌المللی در حقوق بین‌الملل امری ممکن است.

با این‌همه راه‌اندازی این دادگاه‌ها برای جلوگیری از جنایت‌ها و مجازات جنایت‌کاران بسنده نمی‌نمود و از همین‌رو این اندیشه تقویت شد که تنها راه مبارزه با جنایت‌های بین‌المللی، ایجاد یک دادگاه کیفری بین‌المللی همیشگی است؛ اندیشه‌ای که عملی شدن آن رفته‌رفته به‌صورت یک ضرورت گریزناپذیر درآمد. این پیشرفت در دهه ۱۹۹۰ با تصویب اساسنامه رم به اوج خود رسید. دیوان بین‌المللی کیفری با هدف تحقق بخشیدن به تعقیب جرایم بین‌المللی ارتكابی چه در سطح ملی و چه بین‌المللی تحت هنجارهای مشخصی تشکیل شد. با تشکیل این نهاد بود که تلاش‌های زیادی برای عبور از صرف تدوین هنجارهای جهانی به سمت ایجاد مکانیسم اجرایی برای آن هنجارها محقق گشت. پایان دادن به بی‌کیفری و از میان بردن هرگونه مصونیت برای جنایت‌کاران بین‌المللی، از برجسته‌ترین هدف‌های دیوان کیفری بین‌المللی است. به‌نحوی که در ماده ۲۷ اساسنامه بر

۱. جمشید ممتاز، امیر رنجبریان. حقوق بین‌الملل بشردوستانه «مخاصات مسلحانه داخلی» (تهران: میزان،

بی‌اعتباری هرگونه مصونیت در پیشگاه دیوان تأکید شده است. در حقیقت، برپا شدن یک دیوان کیفری بین‌المللی، چنانچه کارکردی درست و نیرومند داشته باشد، باید پایان دوران بی‌کیفر ماندن جنایت‌کاران شمرده شود، زیرا اگر جنایت‌کاری در دادگاه کیفری ملی به سزای کارهای خود نرسد، دیوان کیفری بین‌المللی او را مجازات خواهد کرد. امید آن می‌رفت که این نهاد از مبنای مطلق اراده‌گرایی دولت‌ها فراتر رود. به عبارت دیگر در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری، دولت‌ها به امکان مجازات خود رضایت نمی‌دهند و محاکمه داوطلبانه را طلب نمی‌کنند. بلکه با اجرای عدالت و به تبع آن تحقق صلح و امنیت بین‌المللی همراهی می‌کنند. از آنجایی که اساس کار در این نهاد مبتنی بر همکاری اعضاء است، همه‌چیز حاکی از آن بود که این نهاد، بازیگر مهمی در تحقق صلح و امنیت باشد؛ اما رفته‌رفته گروه قابل‌توجهی از اعضای دیوان یعنی کشورهای آفریقایی به این نتیجه رسیدند که دیوان در راستای رسالت اصلی خود حرکت نمی‌کند و به ابزاری در دست کشورهای غربی برای تحقیر قاره آفریقا تبدیل شده است. لذا برای واکنش به این امر ایده خروج از اساسنامه رم را مطرح کردند. طرح این ایده نیز واکنش‌های متعددی را در جامعه بین‌المللی برانگیخته است. عملی ساختن این تصمیم نسبت به یکی از شاخص‌ترین نهادهای بین‌المللی، واجد پیامدهای مهمی برای کشورهای آفریقایی و سیستم حقوقی کیفری بین‌المللی است. لذا در این نوشتار در پی بررسی آثار حقوقی این تصمیم هستیم. در بخش اول به بیان چگونگی بروز اختلاف میان آفریقا با دیوان بین‌المللی کیفری و تشریح دلایل آنها مبنی بر انحراف دیوان و پاسخ به این مواضع و در بخش دوم به بیان آثار حقوقی تصمیم کناره‌گیری از اساسنامه دیوان می‌پردازیم.

۱- دیوان کیفری بین‌المللی

جامعه جهانی همواره در پی ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری صرف‌نظر از جایگاه، موقعیت و مصونیت افراد بوده است تا بدین‌واسطه به موضوع بی‌کیفری پایان ببخشد. این احساس با مشاهده فجایع رخ داده در طی جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید و ضرورت تعقیب افراد مجرم را هرچه بیشتر بارز گردانید. نخستین نمونه‌های دادگاه‌های بین‌المللی را می‌توان در تشکیل محکمه‌های نورنبرگ و توکیو در دهه ۱۹۹۰ دانست. اگرچه این دادگاه‌ها نام عدالت دولت پیروز را برای خود بر جای گذاشتند، اما زمینه‌ساز تکامل حقوق بین‌الملل کیفری شدند و بر هم‌گرایی بین‌المللی مبنی بر تشکیل یک نهاد بین‌المللی که صلاحیت رسیدگی به جدی‌ترین فجایع ضدانسانی را داشته باشد، افزودند. این راهکار به‌عنوان سیاست عملی جامعه

جهانی پیگیری شد و دادگاه‌های ویژه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایت‌های رخ داده در یوگسلاوی و رواندا برپا شدند. تشکیل این دادگاه‌ها، قابلیت تشکیل یک دیوان بین‌المللی کیفری که مجرمان را پای میز محاکمه بیاورد، آشکارتر ساخت.^۲ این آرزو سرانجام در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به تحقق پیوست و ۱۲۰ کشور با امضای اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ورود این نهاد بین‌المللی را در جامعه جهانی اعلام کردند.^۳ این نهاد برای نسل‌های امروز و آینده تأسیس شد.^۴ دادگاهی که یکی از ویژگی‌های خاص آن به رسمیت شناختن حقوق قربانیان است. قربانیانی که علت وجودی این دادگاه هستند.^۵ تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری میوه دهه‌ها تلاش برای تأسیس یک نهاد دائمی مستقل و نهادین بین‌المللی با اختیار تعقیب افراد متهم به جرایم فاحش بین‌المللی یعنی جرایم، جنایت جنگی - جنایت علیه بشریت - جنایت نسل‌کشی - جنایت تجاوز می‌باشد. اساسنامه این دیوان در حضور بیش از ۱۶۰ کشور و ۲۰۰ سازمان مردم‌نهاد به امضاء رسید و در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. تأسیس این نهادهای کیفری، موجب امیدواری فراوان برای تقویت روزافزون حقوق بین‌الملل و حفظ شأن بشر شد.^۶ اهمیت دیوان بین‌المللی کیفری به‌خصوص از آنجا ناشی می‌شود که تشکیل آن نه حاصل مصوبه نهادی مانند شورای امنیت، بلکه پیامد توافق مستقیم میان کشورهای مختلف است. در واقع کشورهایی که عضو دیوان می‌شوند، داوطلبانه رضایت می‌دهند که مبانی و هنجارهای حقوقی دیوان، به‌عنوان یک نهاد مستقل بین‌المللی که تابعی از سازمان ملل نیست بر قوانین و مصوبات حقوقی ملی‌شان ارجحیت داشته باشد. فی‌الواقع این نهاد حرکتی است از فرهنگ بی‌مجازاتی به سوی فرهنگ مسئولیت‌پذیری.^۷ این دیوان در صورتی که بتواند به‌نحو احسن به رسالت خود عمل کند،

2. Christopher K. Almond, *International Criminal Justice and the Politics of Compliance* (London: Cornwell, 2010), 18.

۳. کریانگ ساک، کیتی شیایزری، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران:

انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴)، چاپ اول، ۵۹.

4. Jeremy Sarkin, "The Role of the International Criminal Court (ICC) in Reducing Massive Human Rights Violations Such as Enforced Disappearances in Africa: towards Developing Transitional Justice Strategies," *Studies in Ethnicity and Nationalism* 11(1) (2011): 130.

5. Jo-Anne Wemmers, "Victims and the International Criminal Court (ICC): Evaluating the Success of the ICC with Respect to Victims," *International Review of Victimology, Great Britain* 16 (2009): 2.

6. Larry D. Johnson, "UN-based International Criminal Tribunals; How They Mix and Match," *Journal of International Law and Policy, Denver* 36(1) (2008): 1.

7. Chandra Jeet, *International Criminal Justice: Issues and Perspectives, International Studies* (Los Angeles: International Studies, 2007), Vol. 44, 254.

می‌تواند نقش مؤثری بر منع حاکمان از انجام اعمال خودسرانه و خشونت‌بار نسبت به شهروندان نشان داشته باشد.^۸

۱-۱- رابطه آفریقا با دیوان بین‌المللی کیفری

قاره آفریقا همواره یکی از کانون‌های اصلی درگیری‌های خونین و قربانی‌های انسانی بی‌شمار بوده است. به‌طوری‌که کمتر دورانی را می‌توان در این قاره پیدا کرد که در آن شاهد خشونت و جنگ نبود.

بر این اساس به هنگام طرح ایده تشکیل یک نهاد دائمی کشورهای آفریقایی از آن استقبال خوبی کردند. این نقش پررنگ دولت‌های آفریقایی در تدوین اساسنامه با درخواست ۱۴ دولت، از جامعه توسعه آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۷ مبنی بر درج ده اصل موردنظرشان در اساسنامه دیوان کاملاً مشهود است.^۹

اگرچه، این اشتیاق بیش از آنکه ناشی از تحقق صلح و عدالت در این قاره و پایان بی‌کیفری متهمان باشد از دو انگیزه نشئت می‌گرفت؛ اول، جلوگیری از تکرار فجایع ارتكابی نظیر رواندا در این قاره؛ و دوم، جلوگیری از مداخلات بسیار غربی‌ها در امور این قاره به بهانه‌های گوناگون.^{۱۰} لذا دولت‌های آفریقایی در شکل‌گیری و تأسیس این مرجع دائمی کیفری بین‌المللی نقشی کلیدی داشته‌اند. از ۵۳ کشور آفریقایی ۴۷ کشور در کنفرانس رم شرکت کردند. علاوه بر مشارکت فعال در کنفرانس رم، در لازم‌الاجرا شدن اساسنامه این دیوان نیز گام مؤثری برداشتند؛ زیرا طبق ماده ۱۲۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جهت لازم‌الاجرا شدن اساسنامه، تصویب ۶۰ کشور لازم است که لازم‌الاجرا شدن این سند با تصویب بیست کشور آفریقایی یعنی یک‌سوم از اسناد تصویب، محقق گشت.^{۱۱} دیوان بین‌المللی کیفری در چند سال آغازین کار خود شاهد برخورد عادی آفریقایی‌ها با خود بود.

8. Monika Nalepa, and Emilia Justyna Powell, "The Role of Domestic Opposition and International Justice Regimes in Peaceful Transitions of Power", *Journal of Conflict Resolution*, Maryland, Sagepub 60(7) (2016): 19.

۹. سید قاسم زمانی، «تهدید به عدم همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه»، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی* ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، ۴۷.

10. John Mukum Mbaku, "Foresight Africa: Top Priorities for the Continent in 2014, International Justice: the International Criminal Court and Africa," 2014, www.brookings.edu/~media/Research/Files/Reports/2014/foresight-africa-2014/03-foresight-international-criminal-court-africa-mbaku.pdf?la=en. (Last Accessed March 27, 2015).

۱۱. محمدحسین رضانی قوام‌آبادی، «تأسیس دیوان کیفری آفریقایی: افسانه یا واقعیت؟»، *مجله حقوقی دادگستری* ۸۶ (تابستان ۱۳۹۳): ۹۷.

کشورهای آفریقایی همکاری مناسبی با این نهاد داشتند و حتی وضعیت‌های کنگو، اوگاندا، جمهوری آفریقای مرکزی و مالی از سوی خود این کشورها بر اساس ماده ۱۴ اساسنامه به دیوان ارجاع شد؛ اما وقتی که عمرالبشیر رئیس‌جمهوری سودان به خاطر فجایع انسانی در دارفور تحت تعقیب دیوان قرار گرفت به یک‌باره همه‌چیز عوض شد. این موضوع خشم آفریقایی‌ها را برانگیخت و نقطه شروع تنش آفریقا با دیوان شد. آفریقایی‌ها به این علت ناراحت شدند که اولاً سودان عضو اساسنامه نیست و این ارجاع به دیوان معنادار است و مهم‌تر آنکه دیوان برای اقدامات آنها برای اعاده صلح ارزش قائل نشده و با این کار خود مانع به نتیجه رسیدن این سلسله‌اقدامات شده است و آنها نادیده گرفته شده‌اند.^{۱۲} در این راستا اتحادیه آفریقا اعضایش را جهت بررسی اتخاذ سیاست عدم همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری فراخواند. در طی این اجلاس تصمیم به عدم همکاری با دیوان در رابطه با پرونده‌هایی که موضوع آن، مقامات واجد مصونیت آفریقایی‌اند، گرفتند و همچنین از گشایش دفتر دیوان در آدیس‌آبابا ممانعت به عمل آوردند.^{۱۳} تنش ادامه داشت و با احضار رئیس‌جمهور کنیا و معاون وی به اتهام جنایت علیه بشریت این روابط تیره‌تر شد. برخی کشورهای آفریقایی بیان داشتند که دیوان کیفری بین‌المللی و رویه شورای امنیت حاکمیت دولت‌های آفریقایی را نشانه رفته است و با غرض و گزینشی رفتار می‌کند. کشورهای آفریقایی اعتراض دارند که چرا دیوان صرفاً به مسائل جاری در قاره آفریقا می‌پردازد. درحالی‌که هیچ توجهی به مسائل سایر نقاط جهان ندارد. چرا تمام پرونده‌های رسیدگی‌شده در دیوان به کشورهای آفریقایی (اوگاندا - کنگو - سودان - جمهوری آفریقایی مرکزی - کنیا - مالی - لیبی - ساحل عاج) مربوط می‌شود. از نظر دول آفریقایی، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوانی برای تعقیب و محاکمه آفریقایی‌هاست. این عملکرد استعمار نو و امپریالیسم قضایی محسوب می‌شود.^{۱۴}

در واکنش به این امر برخی از کشورهای آفریقایی ایده خروج از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را مطرح کردند و حتی پارلمان کنیا طرح خروج از اساسنامه دیوان را به

12. Max du Plessis, Tiyanjana Maluwa, and Annie O'Reilly. "Africa and the International Criminal Court." p. 4, July 2013, www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/International%20Law/0713pp_iccafrica.pdf. (Last Accessed November 25, 2014).

13. African Union. 2009. Decision of the Meeting of African States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court (ICC). Press Release, Addis Ababa, 14 July, www.au.int/en/sites/default/files/ASSEMBLY_EN_25_27_July_2010_BCP_ASSEMBLY_OF_THE_AFRICAN_UNION_Fifteenth_Ordinary_Session.pdf.

14. Elise Keppler, "Managing Setbacks for the International Criminal Court in Africa", *Journal of African Law, Cambridge* 56(1) (2012), 6-7.

تصویب رساند؛ اما این قبیل واکنش‌ها پایان کار نبود. در اکتبر ۲۰۱۳ اتحادیه آفریقا اجلاس فوق‌العاده‌ای را برگزار کرد. موضوع این اجلاس چگونگی رابطه با دیوان بین‌المللی کیفری و بررسی ایده خروج از اساسنامه دیوان با محوریت دو بحث عمده یعنی مصونیت سران آفریقا و نقش مکمل دیوان بود. تصمیم اتحادیه این بود که مقامات آفریقایی مادام که در مسئولیت رسمی خود هستند نباید تحت تعقیب قرار بگیرند و رعایت این مصونیت نه تنها توسط دیوان بین‌المللی کیفری بلکه نزد هر محکمه بین‌المللی دیگر باید تضمین شود. در راستای تضمین اعمال قانون اساسی، ثبات و وحدت دولت‌های عضو، نباید علیه هیچ رئیس فعلی دولت یا حکومت اتحادیه آفریقایی یا هر شخصی که در چنین سمتی فعالیت می‌کند یا دارای صلاحیت فعالیت در چنین سمتی است، اتهامی نزد هیچ دیوان یا دادگاه بین‌المللی طی دوره زمامداری‌اش شروع شود یا تداوم پیدا کند؛ و به‌علاوه رسیدگی به پرونده مقامات کنیا باید متوقف شود؛ اما طرح خروج تصویب نشد و همچنین از جمله تصمیمات مهم این نشست طرح تأسیس محکمه‌ای با عنوان دادگاه آفریقایی عدالت و حقوق بشر بود.^{۱۵}

۲-۱- دلایل معترضان

۱-۲-۱ انحراف دیوان بین‌المللی کیفری

معترضان بیان می‌دارند دیوان بازچه قدرت‌های امپریالیستی است که با سفارش و درخواست دولت‌های اروپایی و آمریکایی بر ضد حق حاکمیت دولت‌های آفریقایی و مردم این کشورها عمل می‌کند. آفریقا یک منطقه جهان سومی با مردمی درجه دو نیست. ما یک پروژه با آزمایشگاه برای بیگانگان نیستیم.^{۱۶} دیوان مقامات آفریقایی را تحقیر می‌کند درحالی‌که کشورهای اروپایی و آمریکایی به حال خود گذاشته شده‌اند.^{۱۷} وقتی همه پرونده‌های دیوان درباره آفریقا پس حتماً یک نقصی در کار است و کشورهای آفریقایی آن نقص را هدف

15. "African Union Urges ICC to Defer Uhuru Kenyatta Case," BBC, October 12, 2014, [www.google.com/search?q=BBC+\(2013\)%2CAfrican+Union+Urges+ICC+to+Defer+Uhuru+Kenyatta+Case&oq](http://www.google.com/search?q=BBC+(2013)%2CAfrican+Union+Urges+ICC+to+Defer+Uhuru+Kenyatta+Case&oq).

16. Solomon Dersso, "The International Criminal Court's Africa Problem," Jun 12, 2013, <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2013/06/201369851918549.html> (Last Accessed March 15, 2015).

17. Mehari Taddele Maru, "The Future of the ICC and Africa: the Good, the Bad, and the Ugly," Oct 11, 2013, <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2013/10/future-icc-africa-good-bad-ugly-20131011143130881924.html> (Last Accessed March 15, 2015).

گرفته‌اند و آنچه می‌گذرد صرفاً شکار آفریقا است^{۱۸} و لذا ما هرگز ق‌ردان آنچه در دیوان می‌گذرد، نخواهیم بود. آفریقا باید بایستد و اقتدار خودش را به نمایش بگذارد.^{۱۹} روش و نفس دیوان از بی‌عدالتی آن نسبت به آفریقا و آفریقایی‌ها حکایت می‌کند. در حال حاضر دادگاه‌های بین‌المللی علیه قاره آفریقا است و نسبت به رهبران آفریقا به نحو گزینشی عمل می‌کند.^{۲۰} از این عملکرد بوی استعمار و نژادپرستی به مشام می‌رسد و گویی که استعمار نوین در این قالب ظهور کرده است. علت چنین برخوردی به‌زعم برخی سران آفریقایی عدم تمایل سران آفریقا به تبعیت و پیروی از الگوها و فرامین غربی‌هاست و در پی چنین نگرشی غربی‌ها درصدد جبران و تلافی برآمده‌اند. ابرقدرت‌ها تلاش زیادی می‌کنند تا اهداف دیوان بین‌المللی کیفری را منحرف سازند و از آن برای روی کار آوردن رهبران خود استفاده می‌کنند.^{۲۱} سؤالی که آفریقایی‌ها می‌پرسند این است که آیا تنها این آفریقایی‌ها هستند که جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مرتکب می‌شوند. در این رابطه آفریقایی‌ها معتقدند که دلیلی سیاسی در پس تمرکز دیوان بین‌المللی کیفری بر قاره آفریقا وجود دارد. وجود چنین وضعیتی قاره آفریقا را به این باور رسانده که رویکرد دیوان بین‌المللی کیفری طی دوازده سال گذشته مبتنی بر عدالت‌گزینشی بوده است. در این ارتباط برخی مثال‌ها نیز مطرح می‌شود. به‌عنوان نمونه آنچه توسط نیروهای آمریکایی در عراق، افغانستان و پاکستان رخ داده است و آنچه رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مرتکب شده است، می‌تواند منطبق با تعریف جنایت علیه بشریت باشد، اما شورای امنیت هرگز این مسائل را به دادگاه بین‌المللی کیفری ارجاع نداده است. چرا در شورای امنیت مدت زمان نسبتاً سریعی برای ارجاع پرونده‌های سودان (۲۰۰۹) و لیبی (۲۰۱۱) به دیوان طی شد درحالی‌که در سوریه بیش از ۲۵۰ هزار نفر از بین رفته‌اند و دادگاه نیز تاکنون هیچ ورودی به این وضعیت‌ها نداشته است.^{۲۲} لذا دیوان یک دادگاه غربی است که برای تعقیب مقامات آفریقایی و به تصویر کشیدن آفریقا به‌عنوان یک نماد تهدید برای خشونت و بی‌رحمی‌های انسانی عمل می‌کند.

18. Barry Malone, "Africans Push UN to Call off 'Racist' Court" November 15, 2013, <https://www.aljazeera.com/indepth/features/2013/11/africans-push-un-call-off-racist-court-2013111451110131757.html>. (Last Accessed 2015/10/14).

19. Tedros Ghebreyesus, Minister of Foreign Affairs of Ethiopia, Ibid.

20. Ibid.

21. Yoweri Museveni, President of Uganda, Ibid.

22. Max du Plessis, Tiyanjana Maluwa, and Annie O'Reilly. "Africa and the International Criminal Court." p. 4, July 2013, www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/International%20Law/0713pp_iccafrica.pdf. (November 25, 2014).

آفریقایی‌سازی تعقیب در دیوان به نظر می‌رسد که ناشی از فشارهای سیاسی و تأمین‌کنندگان عمده مالی غیرآفریقایی این نهاد است.^{۲۳}

۱-۲-۲- نقش مکمل دیوان بین‌المللی کیفری

از آنجاکه اصل صلاحیت انحصاری دولت برای اجرای حقوق کیفری، همواره اصلی پذیرفته‌شده به نظر می‌رسیده است،^{۲۴} از دید دولت‌های آفریقایی، تشکیل یک مرجع بین‌المللی کیفری برای اجرای عدالت نسبت به جنایت‌های رخ داده در سطح جهان، موضوعی خلاف اصل است و حتی در شرایطی که صلح و امنیت جهانی تأسیس چنین نهادی را گریزناپذیر کرده، گستره صلاحیت این دادگاه بین‌المللی باید از جهات گوناگون محدود گردد. بر پایهٔ چنین اندیشه‌ای، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم بین‌المللی از جنبه‌های گوناگون محدود شده است. بر پایهٔ اساسنامه دیوان، این دادگاه بین‌المللی تنها چنانچه از چهار لحاظ صلاحیت داشته باشد می‌تواند به جرم بین‌المللی رسیدگی کند. چهار گونه صلاحیت که احراز آنها الزامی است، عبارت است از: موضوعی (ماده ۵)، زمانی (ماده ۱۱)، مکانی (ماده ۱۲) و تکمیلی (ماده ۱۷).

دیوان یک نهاد فرعی و ثانوی بر دادگاه‌های داخلی است و تنها هنگامی باید وارد عمل شود که دادگاه‌های داخلی آفریقا مایل یا قادر به انجام وظیفهٔ خود نباشند. این عمل دیوان، تجاوز از حدود اختیارات و به نوعی مداخله در امور داخلی کشورها می‌باشد.^{۲۵} سیستم مکمل در دیوان یک ضمانت اجراست تا دولت‌ها با قصور در رسیدگی در محاکم ملی خود تقلب نکنند.^{۲۶} قاعدتاً دادگاه بین‌المللی کیفری باید نقش مکمل محاکم ملی کشورها را ایفاء نماید؛ بنابراین مسئولیت ابتدایی رسیدگی به جنایات بزرگ برعهده خود دولت‌هاست. به‌علاوه دادگاه باید در جایی برگزار شود که جرم رخ داده است. قربانیان، شاهدان و مدارک و اسناد همگی در محل وقوع جرم قرار دارند و مهم‌تر آنکه برگزاری دادگاه در محل وقوع جرم به‌مراتب مؤثرتر خواهد بود تا اینکه در لاهه باشد و آفریقا صرفاً دریافت‌کننده عدالت باشد؛ بنابراین پرونده‌های مطروح در دیوان باید به محاکم ملی ارجاع داده شود.

23. Ibid, 9.

۲۴. سید قاسم زمانی، «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیم‌ها و امیدها»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۲ (۱۳۸۱)،

25. "Profile of Invited Expert "Margaret M.deGuzman" Professor at Temple University's Beasley," ICC Forum, Last Accessed March 12, 2014, <http://iccforum.com/user/9131>.

26. Robert Crey, *Prosecuting International Crimes* (Cambridge: Cambridge University Press, 2005), 145.

۱-۲-۳- اولویت صلح بر عدالت

مهم‌ترین بحثی که آفریقایی‌ها در خصوص دیوان مطرح می‌کنند این است که عدالت نباید همیشه مقدم بر صلح باشد. در آفریقا آنچه ابتدا باید اولویت پیدا کند برقراری صلح است. کشورهای آفریقایی بیان می‌کنند رسیدگی‌های دیوان صلح موجود در قاره آفریقا را به خطر می‌اندازد و خصومت‌های تاریخی و قبیله‌ای را زنده می‌کند. تحقق عدالت آرزویی است همگانی، اما تحقق صلح بر آن ارجحیت دارد، زنده کردن اختلافات اصلاً به صلاح قاره آفریقا نیست.^{۲۷} در بیانیه اخیر سران اتحادیه آفریقا آمده است که «تعقیب نامناسب قضایی رهبران آفریقایی یک تأثیر مخرب بر ثبات منطقه خواهد داشت و به‌صورتی منفی بر توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها و نیز توانمندی آنها در برقراری ارتباطات بین‌المللی اثر خواهد گذاشت.»^{۲۸} در ماجرای تعقیب قضایی عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان نیز اتحادیه آفریقا طی بیانیه‌ای در تاریخ ۳ جولای ۲۰۰۹ نگرانی خود را از آثار منفی این اقدام بر فرایند شکننده صلح در دارفور و تلاش‌های جاری برای پایان بخشیدن به درگیری‌ها در آن منطقه ابراز کرد. در راستای همین استدلال، آفریقا انتظار دارد که هم‌اکنون که اهورو کیناتا که در یک فرایند دمکراتیک در کنیا به ریاست جمهوری برگزیده شده است، دادگاه بین‌المللی کیفری تعقیب قضایی وی را خاتمه دهد تا مشکلی در ارتباطات بین‌المللی کنیا و روند توسعه اقتصادی این کشور و نیز تلاش‌های این کشور برای برقراری صلح و امنیت در شرق آفریقا ایجاد نشود.^{۲۹}

۱-۳-۳- بررسی ابعاد اقدامات کشورهای آفریقایی ناظر بر خروج از دیوان بین‌المللی کیفری

۱-۳-۱- انحراف دیوان بین‌المللی کیفری از اهداف خود

اول: اساس ادعای آفریقایی‌ها مبتنی است بر نژادپرستی و استعمار. این قبیل ادعاها برای تحکیم و تثبیت نیاز به یک وفاق عام دارند. لذا بر یک درک عمومی از قضیه مبتنی‌اند. سؤالی که در این رابطه می‌تواند مطرح شود آن است که آیا این احساس نژادپرستی فقط

27. Aljazeera, Last Accessed February 10, 2013, www.aljazeera.com.

28. African Union. 2009, Decision of the Meeting of African States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court (ICC). Press Release, Addis Ababa, 14 July. https://au.int/sites/default/files/decisions/9560-assembly_en_1_3_july_2009_auc_thirteenth_ordinary_session_decisions_declarations_message_congratulations_motion_0.pdf. 12/03/2015.

29. Decision on International Jurisdiction, Justice and the International Criminal Court (ICC) Doc. Assembly/AU/13(XXI), iccnw.org/documents/AU_decisions_21st_summit_May_2013 (Last Accessed March 12, 2015).

مختص کشورهای مدعی است یا اینکه احساس کل جامعه بین‌المللی و یا حداقل احساس قاره آفریقا نیز هست؟

این درحالی است که برخی از کشورهای آفریقایی هنوز هم بر ضرورت همکاری با دیوان سخن می‌گویند. برای مثال رئیس‌جمهوری تانزانیا اعلام داشت: «این یک امر اجتناب‌ناپذیر است که دولت‌های عضو باید برای بازگشت عدالت به قربانیان کمال همکاری را با دیوان داشته باشند.»^{۳۰} «نیجریه تمام تلاش خود را برای اجرای کامل اساسنامه در این کشور انجام خواهد داد.»^{۳۱} «نامیبیا تمام تلاش خود را برای ارتقای همکاری با دیوان به کار خواهد گرفت.»^{۳۲} جامعه مدنی در آفریقا واکنش شدیدی نسبت به عدم همکاری و خروج از اساسنامه دیوان از خود نشان داده است به‌نحوی که بیش از ۱۶۰ گروه در بیش از سی کشور آفریقایی به مخالفت با ادعاهای مطروحه برخاسته‌اند و طوماری برای منصرف کردن آنها در فضای مجازی راه‌اندازی شده است. این گروه‌ها از وزیران خارجه دولت‌های آفریقایی عضو دیوان خواسته‌اند که دولت‌های خود را متقاعد کنند که تصمیم خروج را عملی نسازند و قطع همکاری نکنند.^{۳۳} به‌علاوه افراد برجسته و صاحب‌نامی در عرصه جهانی که همگی اصالتاً آفریقایی‌اند به مخالفت برخاسته‌اند که از جمله می‌توان به کوفی عنان و دزموند توتو، برنده جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۸۵، اشاره کرد. دولت مالی به‌عنوان یک کشور آفریقایی اعلام کرده است که با پذیرش محکومان دیوان در زندان‌های خود موافق است. دادستان اخیر دیوان خانم فاتو بنسودا که اهل گامبیاست نیز بیان داشته که دیوان از آفریقا حمایت می‌کند تا شکار آن. مضاف بر اینکه که از هیجده تن قاضی، پنج تن آنها به لحاظ توزیع جغرافیایی باید آفریقایی باشند که درحال حاضر این کشورها عبارتند از: کنیا، مالی، نیجریه، ترینیداد و توباگو و غنا.^{۳۴} اگر انحرافی در کار است، چه کسانی بهتر از این قضات می‌توانند انعکاس‌دهنده آن باشند. درحالی که هیچ‌یک از آنان تاکنون به انحراف دیوان اذعان نداشته

30. Jakaya Mrisho Kikwet, President of Tanzania. www.aljazeera.com. Ibid, 10/10/2014.

31. Michael Aondoaka, Nigeria's Justice Minister. www.aljazeera.com. Ibid.

32. Albert Kawana, Namibian Minister of Justice. www.aljazeera.com. Ibid.

33. "African Civil Society Urges African States Parties to the Rome Statute to Reaffirm Their Commitment," Kenyan Section of the International Commission of Jurists, July 30, 2009, www.icj-kenya.org. "Civil Society Declaration on Africa and the Review Conference of the Rome Statute of the International Criminal Court," News Release, May 24, 2010, Last Accessed March 17, 2015,

<https://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:A1PK1klibbsJ:https://www.hrw.org/news/2010/05/24/civil-society-declaration-africa-and-review-conference-rome-statute-international+%&cd=1&hl=en&ct=clnk&gl=ir&client=firefox-b-ab>.

34. "Understanding the International Criminal Court," International Criminal Court, Last Accessed 12/07/2014, 12, <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/PIDS/publications/UICCEng.pdf>.

است. لذا اگر ادعای استعمار، نژادپرستی و انحراف درست می‌بود حداقل می‌بایست در خود قاره آفریقا یک وفاق عامی در این باره وجود می‌داشت؛

دوم، در پاسخ به ادعای مقامات مدعی آفریقایی بیان شده است که اساس ادعای آنها مربوط است به مشروعیت و نه قانونیت. قانونیت آن چیزی است که قانون می‌گوید و باید احراز شود؛ اما مشروعیت، پذیرش اجتماعی است و دیوان در پی قانونیت است و نه مشروعیت.^{۳۵} لذا اگر مقامات معترض، اعتراض به انطباق عملکرد دیوان با اساسنامه یا قواعد بین‌المللی دارند، این اعتراض قابل‌پذیرش و تأمل است و باید بدان توجه و رسیدگی شود اما ادعای آنان هیچ‌گاه شامل قانونیت عملکرد دیوان نبوده است و چه‌بسا بتوان گفت اصلاً هیچ ایرادی در این زمینه نبوده است و آنچه که دیوان اجرا کرده است صرفاً اجرای اساسنامه بوده است.^{۳۶} لذا مدعیان، تلقی خود از دیوان را بدون آنکه مستندی مدلل برای آن ارائه کنند، مبنای به بی‌راهه رفتن دیوان قرار می‌دهند. چه‌بسا اصلاً رهاورد سیستم حقوق بین‌الملل کیفری قطع ارتباط میان وابستگی عدالت کیفری بین‌المللی و حاکمیت دولت بوده است. چنانچه در قضایای سودان - لیبی - رواندا - یوگوسلاوی سابق ابتدا رضایت دولت‌ها برای محاکمه شدن جلب نشد.^{۳۷} تمرکز دیوان بر این قاره از این حقیقت ناشی می‌شود که ساختار مبنای فکری اعتقاد و استقلال قضایی در این قاره به نحوی است که قضات قضاوت نمی‌کنند و دادگاه‌ها، دادگاه نیستند.^{۳۸} لذا وقتی که مکانیسم تحقق عدالت در این قاره با سؤال مواجه است، به تبع جنایات فجیع بیشتری در این قاره در معرض ارتکاب است فلذا طبیعی است که تمرکز دیوان بر آفریقا بیشتر از سایر نقاط باشد و این به معنای شکار آفریقا نیست بلکه رسیدگی به جنایات در آفریقاست؛

سوم، در مواردی که دولت‌های عضو موضوع را به دیوان ارجاع کرده‌اند، قابلیت رسیدگی یا همان صلاحیت تکمیلی دیوان محرز است، زیرا دولت‌های اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو، مالی و جمهوری آفریقای مرکزی با فرستادن پرونده‌ها به دیوان، در حقیقت به علت ناتوانی دستگاه دادگستری‌شان، از اعمال صلاحیت دادگاه‌های ملی چشم پوشیده‌اند؛ اما

35. Thomas Frank, *The Power of Legitimacy among Nations* (Oxford: Oxford University Press, 1990), 114.

36. Evropi Chatzipanagiotidou, "Interview with Mrs Fatou Bensouda the Deputy Prosecutor of the International Criminal Court (ICC) Studies in Ethnicity and Nationalism," *Studies in Ethnicity and Nationalism* 11(1), 2011.

37. Christopher K. Almond, *International Criminal Justice and the Politics of Compliance* (London: Cornwell, 2010), 7.

38. Edwin Bikundo, "The International Criminal Court and Africa: Exemplary Justice," *Law and Critique* 23(1) (2012): 26.

وضعیت‌های ساحل عاج و کنیا به ابتکار دیوان بود. در مورد کنیا، دادستان سابق بعد از جمع‌آوری اطلاعات و پیش از استفاده از اختیارات خود، از مقامات کنیایی خواسته بود که به بررسی موضوع خشونت‌های پس از انتخابات سال ۲۰۰۷ بپردازد اما با گذشت زمان مشخص شد که مقامات این کشور هیچ علاقه‌ای به تحقیق و رسیدگی به این موضوع ندارند و لذا دادستان رأساً پرونده را به جریان انداخت.^{۳۹} مسئله دارفور سودان را شورای امنیت به دیوان ارجاع کرده است که در هنگام ارجاع نیز نمایندگان اعضای شورای امنیت و از جمله نماینده دولت چین بر اینکه دیوان باید با در نظر گرفتن اصل صلاحیت تکمیلی به بررسی موضوع و محاکمه متهمان بپردازد، تأکید کردند. در این راستا دیوان در نوامبر ۲۰۰۶ از دولت سودان خواست گزارشی درباره رسیدگی به مسئله دارفور در دادگاه‌های داخلی به دست دهد. دولت سودان در پاسخی رسمی اعلام کرد که چهارده تن به اتهام نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بازداشت شده‌اند.^{۴۰} دادستان دیوان در واکنش به این گزارش از دولت سودان درخواست همکاری برای مصاحبه مأموران دیوان با بازداشت‌شدگان کرد و ژانویه ۲۰۰۷ را برای دیدار هیئت اعزامی از دیوان به سودان و مصاحبه با بازداشت‌شدگان تعیین کرد. با این حال دادستان دیوان از ابراز نظر در این باره که آیا اقدامات دادگاه‌های ملی سودان موجب عدم قابلیت رسیدگی دیوان می‌شود یا نه خودداری نکرد. دادستان دیوان در گزارش ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶ خود به شورای امنیت نوشت به نظر می‌رسد اقدامات گزارش‌شده از سوی دولت سودان، مکفی نبوده و مانع از رسیدگی دیوان به مسئله دارفور نیست. در لیبی نیز وضعیت مناسب‌تر نبود و حتی این قبیل اقدامات حداقلی که در سودان انجام شد، محقق نگشت.

در راستای گزینشی عمل کردن دیوان و اینکه ابزاری در دست کشورهای غربی است پاسخ دادستان سابق دیوان جالب به نظر می‌رسد که بیان داشت: «عدم حضور قدرت‌های بین‌المللی در این نهاد نشان از استقلال رأی و مشروعیت دادگاه است. ذات این نهاد برای محافظت از حقوق کشورها ضعیف است. وقتی قدرت‌های بزرگ هراس دارند، این بدین معناست که دادگاه به خوبی کار خود را انجام می‌دهد. وقتی ما پرونده عمرالبشیر، رئیس‌جمهوری سودان را در نسل‌کشی پیگیری می‌کردیم، او سعی می‌کرد این‌طور وانمود کند

39. Chatzipanagiotidou, op.cit., 151.

۴۰. سید قاسم زمانی، «شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان بین‌المللی کیفری»، مجله

پژوهش‌های حقوقی ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۸۳)، ۶۴

که ما بیش از حد بر روی آفریقا متمرکز هستیم. باور کردنی نیست، ولی به نظر می‌رسد برخی به حرف‌های او اطمینان کردند. مردم و روزنامه‌نگاران درباره این انحراف در آفریقا می‌پرسند نه در دارفور. درحالی‌که عمرالبشیر متهم به نسل‌کشی در دارفور است. به‌جای بحث درباره این موضوع، آنها آن را انتقال می‌دهند به آفریقا. بجز موضوع نسل‌کشی در دارفور من هرگز از آفریقا صحبت نکردم.»^{۴۱}

چهارم، شاید اجرای عدالت کیفری متمدانه‌ترین پاسخ به خشونت‌های ارتكابی باشد. البته، استقرار یک نظام عدالت کیفری بین‌المللی رؤیای قرن‌ها بوده است. در حال حاضر، عدالت فدای صلح شده و این صلح است که به‌عنوان هدف اساسی دنبال می‌شود. حال آنکه صلحی که در پی آن عدالتی نباشد پایدار نخواهد ماند. شاید یکی از دلایل اصلی عدم پایداری صلح در کشورهای دنیا و به‌ویژه آفریقا، عدم توجه به صلحی است که می‌تواند ناشی از عدالت باشد و نیز عدم توجه به اینکه بدون تحقق عدالت نمی‌توان انتظار صلح پایدار را داشت. تلاش به‌منظور دستیابی به صلح باید قبل از هر چیز عدالت را به ارمغان بیاورد. صلح و امنیت زمانی پایدار و مستقر خواهد ماند که عدالت به‌طور اعم و عدالت کیفری به‌طور اخص برقرار گردد. باید افرادی که به ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی تعرض کرده یا می‌کنند به سزای اعمال خود برسند و مجازات شوند؛^{۴۲} اما در حال حاضر به دلیل حاکمیت سیاست در روابط بین‌المللی، نهادهای حقوقی نیز نمی‌توانند در فعالیتهای خود از آثار و تبعات سیاسی که به همراه داشته، مصون باشند. به همین دلیل، دادگاه‌های بین‌المللی، مانند دیوان کیفری بین‌المللی، تنها در صورتی می‌توانند به درستی و با قدرت عمل کنند که دولت‌های ملی به آنها کمک نموده و آنها را حمایت نمایند در غیر این صورت، امیدی به موفقیت این دادگاه‌ها وجود ندارد.^{۴۳} برای اینکه عدالت اثر واقعی خود را داشته باشد باید از قواعد خود پیروی کند، بدون مداخله هرگونه ملاحظات سیاسی.^{۴۴}

41. "Luis Moreno Ocampo: Being a Prosecutor was a Great Privilege," EuroNews, Last Accessed March 14, 2015, www.euronews.com/2012/06/15/luis-moreno-ocampo-being-a-prosecutor-was-a-great-privilege.

۴۲. ابراهیم بیگزاده، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل»، *مجله تحقیقات حقوقی*

۱۸ (۱۳۷۵)، ۱۴۶.

43. J. N. Clark, "Justice and the International Criminal Court," *Journal of International Criminal Justice* 9 (2011): 529.

44. Chatzipanagiotidou, op.cit., 154.

۱-۳-۲- پذیرش اتهام در برابر انتقاد از عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری

بررسی پرونده‌های مطروحه در دیوان خلاف ادعای مقامات آفریقایی را ثابت می‌کند. از هشت پرونده آفریقایی چهار مورد بنابر درخواست کشورهای ذی‌ربط و با موافقت آنها (ماده ۱۴) در جریان رسیدگی در دیوان قرار گرفته‌اند (اوگاندا، کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی و مالی) و دو مورد نیز به ابتکار شورای امنیت (سودان و لیبی) در دستور کار دیوان قرار گرفته است و پرونده کنیا و ساحل عاج (ماده ۱۵) به ابتکار دادستان بود. مطابق اساسنامه (ماده ۱۳) دیوان، شورای امنیت صلاحیت ارجاع موارد تحت صلاحیت دیوان به آن را دارد اعم از آنکه آن کشور عضو اساسنامه باشد یا نباشد. لذا ارجاع این دو وضعیت و نیز اینکه چرا دیوان به موضوعاتی همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی که عضو نیستند رسیدگی نمی‌کند، خارج از دسترس دیوان است؛ بنابراین اگر هم انتقادی هست متوجه شورای امنیت است و نه دیوان و باعث تقویت ایده عدالت‌گزینشی نمی‌شود. مضافاً طبق ماده ۱۵ اساسنامه، دیوان اطلاعات راجع به وقوع جرایم تحت صلاحیت خویش را از هر منبعی دریافت می‌کند و بررسی‌های لازم را انجام می‌دهد. اکنون دیوان از جمله در حال بررسی مقدماتی اطلاعاتی است که در مورد افغانستان، کلمبیا، گرجستان، هندوراس، عراق و اوکراین وجود دارد. دفتر دادستانی دیوان مسئول احراز این امر است که آیا چنین وضعیت‌هایی حائز شرایط مقرر در اساسنامه (ماده ۵۳: صلاحیت، قابلیت استماع (تکمیلی بودن صلاحیت دیوان - شدت جرم) و اقتضای عدالت) برای شروع تحقیقات مقدماتی است. در حقیقت چنانچه دفتر دادستانی دیوان چنین شرایطی را احراز کند، مطرح شدن پرونده‌های مطروح به وضعیت‌های خارج از قاره آفریقا نزد دیوان کاملاً محتمل خواهد بود.^{۴۵}

علاوه‌براین آنچه حسن‌نیت دیوان را تقویت می‌کند اقدام دیوان در قضیه لیبی است که اجازه محاکمه رئیس دستگاه اطلاعاتی رژیم قذافی (السنوسی) را به دادگاه‌های داخلی لیبی، واگذار کرده است و دیوان علت این کار را تمایل دولت لیبی به انجام تحقیقات قضایی اعلام کرده است. این برای اولین بار است که دادگاه لاهه اختیار پیگیری قضایی یکی از پرونده‌های خود را به سیستم قضایی کشور متبوع متهم ارجاع داده است؛^{۴۶} و این درحالی است که

۴۵. سید قاسم زمانی، «تهدید به عدم همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره

آسیا»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، ۵۲.

۴۶. «رئیس دستگاه اطلاعاتی رژیم قذافی در لیبی محاکمه می‌شود»، پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری

شیعه (شفقنا)، آخرین ویرایش ۲۰ مهر ۱۳۹۲، www.shafaqna.com/persian/law/item/54281.

موضوع لیبی توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع داده شده است و دیوان می‌توانسته رأساً به کل پرونده رسیدگی کند و الزامی مبنی بر واگذاری کل یا بخشی از آن به دادگاه‌های ملی برعهده دیوان نبوده است.

در مورد پرونده‌های در دست رسیدگی در دیوان، همواره تلاش شده است با بهره‌گیری از راهکارهای گوناگون و رعایت استقلال و بی‌طرفی، آگاهی‌هایی که می‌تواند به تحقق عدالت کمک کند، از منابع گوناگون گردآوری شود. در پرونده اوگاندا، دادستان دیوان گروه تحقیق ویژه اوگاندا را تشکیل داد که دربرگیرنده دوازده حقوق‌دان از ده کشور جهان بود.^{۴۷} با تشکیل این گروه، گردآوری ادله در پیوند با پرونده اوگاندا آغاز شد و در این راستا، بیش از پنجاه گروه نزدیک به نه ماه در اوگاندا به تحقیق پرداختند. در این مدت بیش از بیست گروه تحقیق با رهبران محلی و شهودی که در اولویت بودند، مصاحبه کردند.^{۴۸} در قضیه سودان، دادستان بیش از هفتاد گروه تحقیق برای دستیابی به هرگونه آگاهی در پیوند با دارفور به هفده کشور جهان فرستاده است. این هیئت‌ها به غربال کردن آگاهی‌های به‌دست‌آمده درباره جنایت‌ها در دارفور پرداخته و بیش از صد مورد از آنها را برگزیده‌اند. با این همه، دادستان به فرستادن گروه‌های تحقیق اکتفاء نکرده و خود چهار بار با مأموران در سودان دیدار کرده و در سال ۲۰۰۶ مصاحبه‌هایی با دو مقام بلندپایه دولت سودان داشته است.^{۴۹}

از ۴۸ مورد ژنوسایدی که در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۴۵ در جهان رخ داده، بیست مورد آن در قاره آفریقا رخ داده است. گرچه این بدان معنا نیست که این جنایات تنها در آفریقا رخ می‌دهد اما دیوان تنها در مواردی کیفرخواست صادر کرده که صلاحیت داشته است و این به معنای گزینشی عمل کردن نیست.^{۵۰}

و النهایه هم اگر عملکرد گزینشی دیوان پذیرفته شود، آیا این امر دلیل موجهی برای جرایم ارتكابی در آفریقا و معافیت عاملان آنها محسوب می‌شود؟

47. "Background Information on the Situation in Uganda", International Criminal Court, Last Accessed February 14, 2015, http://www.iccpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200204/Pages/situation%20index.aspx.

48. Ibid.

49. "ICC Prosecutor Ready with Evidence against Darfur War Criminals," International Criminal Court, Last Accessed February 14, 2015, http://www.iccpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200205/Pages/situation%20icc-0205.aspx.

50. Sarkin, op.cit., 134.

۱-۳-۳- گریز کشورهای آفریقایی از محاکمه در دیوان بین‌المللی کیفری

برخی نیز ترس از محاکمه شدن را دلیل اعتراضات به دیوان بین‌المللی کیفری می‌دانند و به بررسی سابقه برخی کشورهای معترض و خشونت‌های انجام‌شده در این قاره می‌پردازند. از سال ۱۹۷۰ بیش از سی جنگ در قاره آفریقا رخ داده که اکثراً در اصل داخلی بوده‌اند. تنها در سال ۱۹۹۶ از میان ۵۳ کشور آفریقایی، چهارده کشور در مخاصمات مسلحانه شرکت داشتند که نتیجه آنها آوارگی و بی‌خانمانی بیش از هشت میلیون انسان بوده است؛ و همچنین این مخاصمات بیشتر از نصف مرگ‌های مربوط به جنگ را در سطح جهان تشکیل می‌دهد. درحال حاضر نیز بیش از پنج میلیون قربانی در این قاره وجود دارد.^{۵۱} در سالنامه «انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم» در سال ۲۰۰۰ آمده که آفریقا ناحیه‌ای از جهان است که بیشترین مخاصمات مسلحانه را داشته و نیز تنها ناحیه‌ای است که تعداد مخاصمات در آن در حال افزایش است. ازجمله مخاصمات واقعه در این قاره می‌توان به این موارد اشاره کرد:

اولین جنگ داخلی سودان (۱۹۵۵)، مخاصمه داخلی زئیر (۱۹۵۵)، اعتصاب قوی رواندا (۱۹۶۰)، جنگ داخلی نیجریه (۱۹۶۶)، جنگ داخلی چاد (۱۹۶۶)، جنگ جدایی نوار نامیبیا (۱۹۶۶)، اعتصاب قوی بروندي (۱۹۷۰)، انقلاب اتیوپی (۱۹۷۴)، جنگ موزامبیک (۱۹۷۵)، جنگ داخلی اتیوپی (۱۹۷۸)، اعتصاب داخلی و کودتای جمهوری آفریقای مرکزی (۱۹۷۹)، جنگ اوگاندا (۱۹۸۰)، دومین جنگ داخلی سودان (۱۹۸۳)، جنگ سیرالئون (۱۹۹۰)^{۵۲} و ۹۳۲ فقره جرم توسط محکومان دیوان علیه شهروندان رخ داده است.^{۵۳}

ازجمله تلفات و خسارات تأسف‌بار این جنگ‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

کشور بروندي^{۵۴}: در طول سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷، ۷۵۰,۰۰۰ پناهنده برونديایی به سایر کشورها پناهنده شدند. بیش از ۲۰۰,۰۰۰ انسان که اکثراً غیرنظامی بودند، کشته شدند.

کشور رواندا: در مخاصمات هوتو و توتسی بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵، ۱۰۵,۰۰۰ نفر، در سال ۱۹۸۸، ۲۰,۰۰۰ نفر و در سال ۱۹۹۴ حدود ۸۰۰,۰۰۰ نفر کشته شدند.^{۵۵}

51. Chatzipanagiotidou, op.cit., 154.

52. عبدالقادر مبارک، «مخاصمات مسلحانه در آفریقا؛ نقش سازمان ملل متحد در پیشگیری، خاتمه و صلح‌سازی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۸۶)، ۱۵۰.

53. Monika Nalepa, op.cit., 3.

54. مبارک، پیشین، ۱۶۹.

55. "African Union Urges ICC to Defer Uhuru Kenyatta Case," BBC, Last Accessed January 11, 2019, http://www.bbc.co.uk/persian/world/2014/04/140405_u07_rwanda_genocide_20th_rape_victim.shtml.

کشور کنگو: در سال ۱۹۹۷ در طی هفت سال جنگ ده‌ها هزار شهروند و مهاجر کنگویی به قتل رسیدند و این آمار را می‌توان به قربانیان بیش از یک میلیون نفری که از سال ۱۹۹۰ در منطقه دریاچه‌های بزرگ قتل‌عام شدند، اضافه کرد. کشور آفریقای جنوبی: در بین سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۳، ۱۶,۱۰۰ نفر غیرنظامی کشته شدند.

کشور الجزایر: جنگ‌های داخلی الجزایر در سال ۱۹۹۰، ۱۵۰,۰۰۰ نفر کشته به همراه داشت.^{۵۶}

کشور سودان: علاوه بر کشته شدن هزاران انسان، بیش از ۹۰ درصد روستاهای دارفور تخریب شدند، منابع آبی آلوده شدند، محصولات کشاورزی از بین رفت به نحوی که برنامه جهانی غذا در سال ۲۰۰۵ از نیاز ۳/۵ میلیون انسان به غذا در دارفور خبر می‌دهد.^{۵۷} و از جمله این مدعیان اثبوتی است که اتهامات وارده به آن عبارت است از: قتل ۴۲۴ نفر بدون محاکمه در سال ۲۰۰۳، قتل ۱۹ نفر از معترضان غیرنظامی و زخمی کردن ۷۶۳ نفر، زندانی کردن ۳۰ هزار نفر بعد از انتخابات سال ۲۰۰۵، به قتل رساندن ۱۰۵ نفر در سال ۲۰۰۸ و در سال ۲۰۱۰ کمیته حقوق بشر سازمان ملل گزارشی مبنی بر شکنجه‌گری دولت اثبوتی ارائه کرد. لذا چنین کشوری باید معترض دیوان باشد چراکه نوبت بعدی، نوبت او خواهد بود.^{۵۸}

منتقدان تصمیم خروج به شدت این تصمیم را نکوهش می‌کنند و بیان می‌دارند آفریقایی‌ها از بیم اینکه مبادا پرونده بعدی دیوان، آنها باشند دست به چنین تصمیمی زده‌اند و فراتر از این اقدام در پی کسب مجوز برای قتل و ظلم کردن به مردمشان، بدون هیچ مجازاتی هستند و اگر انتقادی به دیوان وارد می‌سازند صرفاً بدین دلیل است که دیوان دارد کار خودش را انجام می‌دهد.^{۵۹} امید مردم یک کشور برای تنظیم‌خواهی دستگاه قضایی کشورش می‌باشد. حال اگر دستگاه قضایی به وظیفه خودش عمل نکند چه کسی باید به آنها

56. Ibid.

۵۷. مبارک، پیشین، ۱۸۴.

58. Mehari Taddele Maru, "International Consultant on African Union," <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2013/10/future-icc-africa-good-bad-ugly-20131011143130881924.html>. (Last Accessed January 11, 2019).59. Desmond Mpilo Tutu, "Pulling out of the ICC would be Tragic for Africa," October 16, 2013, <https://www.ghanaweb.com/GhanaHomePage/NewsArchive/Pulling-out-of-the-ICC-would-be-tragic-for-Africa-Desmond-Tutu-289018> (Last Accessed January 11, 2019).

رسیدگی کند؟ آفریقایی‌ها پاسخ می‌دهند هیچ‌کس.^{۶۰} لذا آنها در شعارهایشان با کارت استعمارگری و نژادپرستی بازی می‌کنند. آنها با این تصمیم صرفاً به دنبال حفاظت از شخص و منافع خود هستند تا اینکه سخنگوی قربانیان باشند.^{۶۱} آنها قطعاً چیزی برای پنهان کردن دارند که از صلاحیت دیوان می‌ترسند.

۲- پیامدهای حقوقی اقدامات کشورهای آفریقایی

اول، خروج و کناره‌گیری از دیوان کیفری بین‌المللی به‌طور صریح در اساسنامه پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۱۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یک دولت عضو می‌تواند با ارسال اعلامیه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، از عضویت در اساسنامه کناره‌گیری نماید. این کناره‌گیری یک سال پس از تاریخ دریافت اعلامیه، مؤثر واقع خواهد شد مگر آنکه اعلامیه تاریخ دیرتری را مشخص نماید. هیچ کشوری نمی‌تواند به دلیل کناره‌گیری از این اساسنامه، خود را از تعهدات ناشی از آن در زمان عضویت آزاد نماید. کناره‌گیری این کشور نباید بر همکاری آن با دیوان در ارتباط با تحقیقات جنایی و مراحل دادرسی که کشور انصراف‌دهنده در ارتباط با آن، وظیفه همکاری داشته است و این وظیفه پیش از تاریخ به اجرا درآمدن کناره‌گیری، آغاز شده بوده، تأثیری بگذارد و همچنین نباید به هیچ‌وجه بر ادامه بررسی هر موضوعی که پیش از تاریخ مؤثر شدن کناره‌گیری، تحت رسیدگی دادگاه بوده است، خللی وارد کند.

بر اساس بند ۲ ماده ۱۲۷ اساسنامه رم، کناره‌گیری یک دولت، هرگونه همکاری با دادگاه را نسبت به تعقیب و رسیدگی به جرایم تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر خروج از اساسنامه مانعی برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در زمان عضویت و ایجاد سدی بر روند رسیدگی به پرونده‌های در حال رسیدگی محسوب نمی‌شود و مسئولیت دولت کماکان باقی می‌ماند.^{۶۲} در صورت تحقق خروج تمامی دول آفریقایی (۳۴ عضو) از دیوان، دول عضو دیوان از ۱۲۲ کشور به ۸۷ کشور کاهش می‌یابد. کناره‌گیری دولت‌ها در این سطح، از حیث حقوق معاهدات قابل تأمل است. اساسنامه این دیوان طبق ماده ۱۲۶ آن، جهت لازم‌الاجرا شدن، به تصویب شصت کشور لازم دارد که این امر در سال ۲۰۰۲ محقق شده است و خروج این

60. Ibid.

61. Ibid.

62. Ilias Bantekas, "The Contemporary Law of Superior Responsibility," *The American Journal of International Law* Washington 93(3) (1999): 60.

دولت‌ها از حیث شکلی بر اساسنامه دیوان اثری ندارد چراکه طبق ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات بجز در مواردی که معاهده ترتیبی دیگر مقرر کند، هیچ معاهده چندجانبه‌ای بر اثر تنزل یافتن تعداد طرف‌های آن از حدنصابی که برای لازم‌الاجرا شدن معاهده ضرورت دارد، خاتمه پیدا نمی‌کند لذا نه از حیث شکلی و نه از حیث ماهوی، خروج این دولت‌ها تأثیری بر دیوان نخواهد داشت؛^{۶۳}

دوم، ماده ۱۳ اساسنامه، چنین امکانی را برای شورای امنیت سازمان ملل متحد شناسایی کرده تا بتواند وضعیتی را به دیوان ارجاع دهد. لذا ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت، منوط به عضویت دولت محل وقوع جنایت یا دولت متبوع متهم در اساسنامه نیست. به‌علاوه به‌موجب ماده ۱۶ اساسنامه، چنین امکانی برای شورا پیش‌بینی شده است که بتواند تحقیق و تعقیب را به مدت دوازده ماه به حالت تعلیق درآورد.^{۶۴} لذا صلاحیت دیوان در فرض ارجاع شورای امنیت جنبه جهان‌شمولی یافته و در مورد همه کشورها چه عضو دیوان و چه غیر آن، صرف‌نظر از رضایت آن دولت قابل‌اعمال خواهد بود. هنگامی که شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور عمل می‌کند، این موضوع شورا را قادر می‌سازد از دیوان به‌عنوان جایگزینی برای دادگاه‌های ویژه، به‌خصوص اعمال دکترین مسئولیت بهره‌برد.^{۶۵} از اولین سال‌های قرن بیست‌ویکم دکترین مسئولیت حمایت به‌عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل و به‌عنوان راه‌حلی در پاسخ به کاستی‌های نظام بین‌المللی در رویارویی با نقض فاحش حقوق بنیادین بشری، وارد ادبیات حقوقی شد. هدف اساسی این دکترین مقابله با نقض حقوق اساسی انسان‌ها در قلمرو یک کشور است و مهم‌ترین تحول در این رابطه، مواردی است که دولتی به عللی چون اختلافات نژادی، قومی و مذهبی، از انجام وظیفه در حفظ حقوق شهروندان ناتوان و یا مایل به انجام آن نیست، در این صورت، مسئولیت به جامعه بین‌المللی منتقل می‌گردد.^{۶۶} درواقع اگر از دیدگاه سنتی، حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان امتیازی

۶۳. رضانی قوام‌آبادی، پیشین، ۱۰۷.

۶۴. با توجه به اینکه ماهیت اساسنامه دیوان، یک معاهده چندجانبه است - که اصولاً فقط برای دول متعاقد الزام‌آور است نه دول ثالث - مبنای حقوقی بند ب ماده ۱۳ اساسنامه مورد تحلیل حقوق دانان واقع شده است که بر اساس حق رجوع شورای امنیت ناشی از اختیاراتی است که از منشور ملل متحد به این نهاد محول شده نه به‌موجب معاهده اساسنامه رم و در نتیجه می‌تواند علیه دولت‌های غیر عضو اساسنامه اعمال شود.

65. Antonio Cassese, Paola Ggaeta, and John R.W.D Jones, *The Rome Statute of International Criminal Court: a Commentary* (Oxford: Oxford University Press, 2002), Vol. 1, 49.

66. Alex Bellamy, and Paul D. Williams, "The New Politics of Protection? Côte d'Ivoire, Libya and the Responsibility to Protect," *International Affairs* 84(4) (2011), 844

مطلق و غیرقابل تعرض تلقی می‌گردید، در معنای موردنظر، حاکمیت نه به‌عنوان امتیاز بلکه به‌عنوان مسئولیت حمایت از حیات انسان‌ها تغییر پیدا می‌کرد؛ مسئولیتی که در ابتدا برعهده دولت مربوطه می‌باشد و در صورت عدم ایفای آن، برعهده جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد.^{۶۷} از سال ۱۹۹۰ به بعد شورای امنیت وضعیت نقض‌های حقوق بشر را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح بین‌المللی شناسایی کرده است. به واقع در قطعنامه شورای امنیت درباره لیبی، شورای امنیت بر مسئولیت دولت نسبت به حفاظت از شهروندانش تأکید کرد و این رویه شورا بر تفسیر ماده ۳۹ منشور ملل متحد مبتنی است.^{۶۸}

حال معلوم نیست که کشورهای مدعی آفریقایی به فرض اینکه همگی از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری خارج شوند، با صلاحیت شورای امنیت چه خواهند کرد؟ چه اینکه با توجه به مطالب مذکور شورای امنیت می‌تواند تهدیدات علیه صلح جهانی و از جمله جرایم تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را در کشورهای آفریقایی شناسایی کند و خود رأساً بدان‌ها رسیدگی کند و یا مواردی را که در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است مطابق با ماده ۱۳ اساسنامه رم، به این نهاد ارجاع دهد که دوباره این کشورها تحت صلاحیت دیوان قرار خواهند گرفت. چنان‌که در قضایای لیبی و سودان عدم عضویت این کشورها در اساسنامه مانع رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری به لحاظ ارجاع توسط شورای امنیت نشد. در قضیه لیبی، کشته و مجروح شدن افراد غیرنظامی بسیار، باعث شد شورای امنیت با مرتبط دانستن این جنایات با موضوع صلح و امنیت بین‌المللی اقدام به صدور قطعنامه و اعمال تحریم نموده و درعین حال با ارتباط‌دهی این وضعیت با «جنایت علیه بشریت» آن را به دیوان ارجاع دهد. ارجاع وضعیت لیبی به دیوان از طرف شورای امنیت بیانگر این واقعیت است که هرچند عضویت یا عدم عضویت دولت‌ها در دیوان امری کاملاً اختیاری و در حدود صلاحیت حاکمیت‌هاست اما عدم عضویت به معنای فارغ بودن دولت‌ها از همکاری با دیوان و مستثنا بودن آنها از قلمرو صلاحیتی دیوان نیست.^{۶۹} لذا تصمیم خروج از اساسنامه ثمره‌ای برای آفریقایی‌ها نخواهد داشت؛

67. Ibid, 623.

68. Christian J. Tams, *Prospect for Humanitarian Uses of force, Realizing Utopia: The Future of International Law* (Oxford: Oxford University Press, 2012), 16.

۶۹. علیرضا دلخوش، «ارجاع وضعیت لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی: گامی شکننده به سوی جهانی‌سازی مقررات حقوق بشر»، فصلنامه سیاست خارجی ۹۶ (بهار ۱۳۹۰)، ۷۵.

سوم، تمام استدلال‌ها و انتقادهای کشورهای آفریقایی نسبت به دیوان و طرح ایده خروج از آن و همچنین پاسخ مخالفان پیرامون یک موضوع کلیدی سیر می‌کند و آن حقوق بین‌الملل کیفری و تحقق عدالت توسط آن است. حقوق بین‌الملل کیفری مسیر نسبتاً طولانی را پشت سر گذاشته تا بدین مرحله رسیده است و اکنون تا رسیدن به سرمنزل مقصود فرسنگ‌ها فاصله دارد. لذا این حقوق کماکان دوران تحول و رشد خود را می‌گذراند. عملکرد دیوان نیز بخشی از این تحول است. با این تفاوت که اقدامات دیوان یک حرکت قاطعانه در این مسیر بوده است.^{۷۰} رسیدگی به جنایات ارتكابی در آفریقا به‌هیچ‌عنوان به معنای تحقیر آفریقا نیست، چنان‌که دادگاه‌های توکیو و نورنبرگ به معنای تحقیر ژاپن و آلمان نبود. بلکه این دو دادگاه اخیر زمینه‌ساز تکامل عدالت کیفری و تشکیل دیوان شدند و شروع رسیدگی به مهم‌ترین جنایات این محاکم بودند، محاکمی که هیچ‌یک از متهمان آن آفریقایی نبودند.^{۷۱} به همین طریق، این رسیدگی‌ها به پرونده‌های آفریقایی بخشی از فرایند تحول و جهانی‌سازی عدالت کیفری را تشکیل می‌دهد. فرایندی که هرچند کند اما خوب به جلو می‌رود؛ فرایندی که با متبلورسازی انسان حرکت می‌کند که اکنون مسیرش از آفریقا گذشته است؛^{۷۲} اما درحال حاضر پیشگام این حرکت دیوان است؛ و حتی برخی معتقدند دیوان می‌تواند در طولانی‌مدت نقش مؤثری را در ارتقای صلح و ثبات در طولانی‌مدت داشته باشد.^{۷۳} اساسنامه دیوان یک معاهده در خدمت قدرت و سیاست یک یا معدودی از کشورها نیست،^{۷۴} بلکه متعلق به جامعه بشریت است.

۳- آفریقا و عدالت کیفری

با توجه به اوضاع موجود، برنامه‌ای که آفریقا پیش رو گرفته آن است که اتحادیه آفریقا اقدام به تأسیس دیوان کیفری آفریقایی کند. قاره‌ای که با بیشترین نقض‌ها و کمترین رسیدگی‌ها مواجه بوده است.^{۷۵} در این قاره هیچ‌گونه مرجع کیفری دائم بین‌المللی آفریقایی وجود ندارد. در صورت عدم تمایل یا عدم توان دولت صلاحیت‌دار به اجرای تحقیق یا تعقیب جنایات

70. Francois-Xavier Bangamwabo, *International Criminal Justice and the Protection of Human Rights in Africa* (Namibia: Macmillan Education Namibia, 2009), 128.

71. William Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court* (Cambridge: Cambridge University Press, 2007), 14.

72. Bikundo, op.cit., 27.

73. Sarkin, op.cit., 131.

74. Cassese, Ggaeta, and Jones, op.cit., 108.

75. Bikund, op.cit., 27.

بین‌المللی و عدم همکاری آنها با دیوان کیفری بین‌المللی، تأسیس دیوان کیفری آفریقایی می‌تواند به‌عنوان جایگزین خوب و مطمئنی لحاظ شود و بدین ترتیب فقدان تحقیق یا تعقیب مؤثر در مورد جنایات ارتكابی در سطح آفریقا از طریق تأسیس یک مرجع کیفری آفریقایی پُر خواهد شد. دیوان دادگستری آفریقایی و دیوان آفریقایی حقوق بشر و همچنین دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی جملگی از ارکانی هستند که در حال حاضر در سطح قاره آفریقا وجود دارند؛ اما هیچ‌کدام از این مراجع صلاحیت ذاتی رسیدگی و تعقیب مسئولین نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سایر جنایات بین‌المللی را ندارند.^{۷۶} از طرف دیگر این نگرانی همچنان باقی است تا با پشت پا زدن به سیستم عدالت کیفری بین‌المللی و تأسیس مراجع کیفری منطقه‌ای، اراده راسخی جهت پیگرد مسئولین نقض‌های شدید وجود نداشته باشد و مرتکبین این جنایات بتوانند در لوای ابزارهای سیاسی بی‌کیفر بمانند.^{۷۷} اتحادیه آفریقایی با به‌کارگیری ظرفیت‌های دیوان آفریقایی حقوق بشر درصدد توسعه صلاحیت‌های دیوان مزبور و تسری آنها نسبت به جنایات بین‌المللی است. در حال حاضر گزینه گسترش صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر بر سایر گزینه‌ها ترجیح داده شده است. اتحادیه آفریقایی مجدداً در تصمیم اخیر خود در ژانویه ۲۰۱۴ گسترش صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر را متذکر شد و از کمیسیون آفریقایی درخواست کرد تا گزارشی در مورد پیشرفت کار در خصوص این موضوع در سال ۲۰۱۵ تقدیم اتحادیه آفریقایی کند.

با این حال وجود یک محکمه برای مجازات متهمان در این قاره چندان بی‌سابقه نیست و می‌توان از تنها نهاد موجود در این زمینه برای محاکمه یوسین آبره نام برد.

در اکتبر ۲۰۰۰ میلادی، هفده قربانی و انجمن قربانیان جرایم و سرکوب سیاسی در چاد علیه یوسین آبره شکایت کردند. قاضی تحقیق شکایت را با استناد به دستوری رد کرد. به‌موجب این دستور، این دعوا از لحاظ ماهوی در زمره دعاوی عمومی قرار نمی‌گیرد. شاکیان، مخالف دستور بوده و آن را ناقض قانون اساسی برمی‌شمردند. علی‌رغم اینکه رأی مورخ ۲۰۰۱ دادگاه که منطبق بر قانون اساسی نبود، اما پرونده گامی جلوتر نرفت. این بار به دلیل اینکه قاضی تحقیق نظر داد که اطلاعات ارائه‌شده برای ادامه تحقیقات کافی نیست.

۷۶. مجمع اتحادیه آفریقایی در نشست فوق‌العاده ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ تصمیم گرفت که فرایند تصمیم صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر به محاکمه جنایات بین‌المللی مانند ژنوساید، جنایات ضدبشریت و جنایات جنگی تسریع شود.

۷۷. رضانی قوام‌آبادی، پیشین، ۱۱۳.

سرانجام اتحادیه آفریقایی با دولت سنگال موافقت‌نامه‌ای جهت تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال امضاء کردند که در ۲۰۱۲ قانون تأسیس این شعب به‌وسیله مجلس ملی این کشور مورد تصویب قرار گرفت.

لذا در ۸ فوریه ۲۰۱۳ نهادی قضایی با نام «محاکم آفریقایی فوق‌العاده» در سنگال رسماً شروع به کار کرد. این نهاد در تاریخ ۲۲ اگوست ۲۰۱۲ طی توافقنامه‌ای میان اتحادیه آفریقایی و دولت سنگال برای محاکمه مرتکبین نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل که در فاصله مابین ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ در سرزمین چاد به وقوع پیوسته بود، تأسیس گردید. این دادگاه نسبت به چهار جرم صلاحیت دارد: نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگ و شکنجه. قضات این نهاد توسط دولت سنگال و کمیسیون اتحادیه آفریقایی و از میان قضات سنگالی و سایر قضات آفریقایی انتخاب می‌گردند.

در حقیقت متهم ردیف اول این دادگاه کسی نیست جز آقای هابره رئیس‌جمهور وقت دولت چاد که در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ ریاست جمهوری آن دولت را در اختیار داشت. آقای هابره در زمان ریاست خود دست به شکنجه و قتل بی‌رحمانه بسیاری از مخالفین و برخی قومیت‌ها در سرزمین چاد زده بود به‌نحوی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر لقب پینوشه آفریقا را به او داد.

ابتکار عمل اتحادیه آفریقایی جهت تحقق عدالت کیفری، با تأسیس چنین شعبی در چارچوب اتحادیه برای اولین بار و به نام آفریقا صورت گرفت. با این اقدام اتحادیه آفریقایی در پی راه‌حل‌های آفریقایی - آفریقایی بود تا ضمن ممانعت از بی‌کیفرمانی، مقدمات تحقق عدالت کیفری توسط مرجع ویژه‌ای متشکل از قضات آفریقایی برای محاکمه آفریقائیان در مورد جنایات ارتكابی در آفریقا تصمیم‌گیری نمایند. درعین‌حال تصمیم به تأسیس این شعب می‌تواند به‌عنوان نوعی موضع‌گیری نسبت به مراجع غیرآفریقایی اعم از ملی و بین‌المللی تعبیر شود. لازم به ذکر است که این شعب موقت بوده و با رسیدگی به قضایای مطروحه برچیده خواهند شد؛ اما همین محکمه موقتی نیز تاکنون اقدامات جدی و مؤثری برای محاکمه متهمان اتخاذ نموده و بی‌ثمر مانده است. علاوه‌براین پتانسیل دیگری که برای اقدامات آفریقایی برای آفریقا وجود دارد اساسنامه اتحادیه آفریقا است. مطابق ماده چهارم اساسنامه اتحادیه آفریقا که در سال ۲۰۰۰ به تصویب کشورهای قاره آفریقا رسید، رهبران آفریقایی، با جایگزینی «اصل عدم مداخله» با «اصل عدم بی‌تفاوتی»، مسئولیت سازمان را در مداخله در امور داخلی اعضایش برای حمایت از شهروندان کشورها در حین وقوع بحران‌های

انسانی، به رسمیت شناختند و این برای نخستین بار بود که سازمانی با موافقت اعضایش، چنین حقی را بر خود قائل می‌شود. در سال ۲۰۰۴ نیز شورای امنیت و صلح اتحادیه آفریقا، برای جلوگیری، مدیریت و حل تعارضات قاره آفریقا، بنیان نهاده شد؛ اما از این ظرفیت نیز تاکنون برای برقراری صلح و امنیت بهره‌برداری نشده است. مضاف بر اینکه فرایند رسیدگی در چنین محاکمی مستلزم صرف هزینه‌های بسیار است، درحالی‌که آفریقا برای تأمین هزینه‌های اجلاس‌های خود با سختی مواجه است؛ و حال مسئله تأمین بودجه یک محکمه آفریقایی نیز از موارد قابل توجه است^{۷۸} و این امر به نوبه خود این سؤال را ایجاد می‌کند که با توجه به مشابه بودن ماهیت محاکم کیفری و وجود جواز مداخله، آیا تأسیس یک محکمه آفریقایی رهاوردی بیش از دادگاه موقت سنگال و یا اساسنامه اتحادیه آفریقا به همراه خواهد داشت؟

نتیجه

بحث از دیوان کیفری بین‌المللی یک موضوع مناقشه‌برانگیز بوده و در بین موضوعات کلی و عمومی، ناگفته‌های زیادی دارد؛ اما منافع حاصل از الحاق به دیوان، بسیار فراتر از معایب و مضار آن خواهد بود. عدم الحاق به دیوان موجبات تقویت انگیزه مسئولین عالی‌رتبه کشورها برای ارتکاب چنین اعمالی در آینده خواهد شد و زمینه گسترش سیاست بی‌کیفری را فراهم می‌نماید. خروج از اساسنامه رم، رهاورد مثبت چندانی برای آفریقایی‌ها ندارد، بلکه صرفاً سبب عدم استفاده از امکانات و قابلیت‌های موجود در دیوان خواهد شد. صرف اعتراض و شکایت بدون برداشتن هیچ‌گونه گام عملی از سوی دولت‌های آفریقایی، اقدامات آنها را نوعی ریاکاری نشان می‌دهد که حتی در ضمیر خویش به آنچه بیان می‌کنند معتقد نیستند. موارد بسیاری در این قاره وجود دارد که محاکم بین‌المللی بدان‌ها رسیدگی نکرده است، اما جامعه جهانی شاهد هیچ‌گونه رسیدگی به آنها از سوی جوامع آفریقایی نبوده است.

قاره آفریقا و دیوان بین‌المللی کیفری برای یکدیگر اهمیت متقابل دارند چراکه اکثر اعضای دیوان، آفریقایی‌اند و از طرف دیگر رفع بحران‌های آفریقا نیازمند کمک‌های بین‌المللی است. اگر دلیل قابل‌توجهی برای این خشونت‌ها وجود داشته باشد، هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا این خشونت‌ها با چنین بی‌رحمی انجام شده است. اگر آفریقا می‌خواهد

78. M. du Plessis, "Implications of the AU Decision to Give the African Court Jurisdiction over International Crimes, No. 235," page 9, June 2012, <http://www.issafrica.org/uploads/Paper235-AfricaCourt.pdf>. (Last Accessed January 11, 2019).

حقیقتاً مشکلاتش برطرف شود، باید درصدد شناسایی و معرفی ریشه‌های فجایع ارتكابی برآید و نیز به‌جای حذف دیوان، از ظرفیت‌های این نهاد برای مبارزه با جنایات ارتكابی در این قاره بهره ببرد. به‌علاوه معلوم نیست که معترضان با خروج از اساسنامه، با صلاحیت شورای امنیت چه خواهند کرد. چراکه شورا می‌تواند جرایم مذکور در اساسنامه را در هر جای جهان که رخ داده باشد اعم از اینکه آن کشور عضو اساسنامه باشد یا خیر را به دیوان محول کند؛ اما نباید این امر را مورد کتمان قرار داد که اگرچه خروج کشورهای آفریقایی از دیوان، لطمه‌ای به ماهیت آن از حیث حقوق معاهدات وارد نمی‌آورد ولی بی‌تردید از نظر سیاسی، خروج کشورهای مزبور می‌تواند مقبولیت دیوان را تحت‌الشعاع قرار دهد و این امر سبب تضعیف دیوان خواهد شد و حتی می‌تواند مانع از پیوستن سایر دولت‌ها به دیوان شود. البته این اقدامات مقامات آفریقایی می‌تواند بیانگر آن باشد که دیوان آن‌چنان‌که باید و شاید نتوانسته برای اقدامات خود تبلیغات مناسبی انجام دهد و همگان را نسبت به عملکرد خود قانع سازد و همچنین دیوان باید سعی بر مبراً بودن از نفوذ قدرت سیاسی جهانی را داشته باشد و دائماً استقلال خود را انعکاس دهد. در پایان پرسشی که می‌تواند در ارزیابی و سنجش این تصمیم کمک زیادی بکند عبارت است از اینکه رهاورد و فایده خروج از اساسنامه برای آفریقا چیست؟ آیا واقعاً به حفظ صلح، عدالت و حقوق بشر در این قاره کمک می‌کند؟

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بیگزاده، ابراهیم. «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل». *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۸ (۱۳۷۵): ۱۴۶-۳۹.
- پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه (شفقنا). «رئیس دستگاه اطلاعاتی رژیم قذافی در لیبی محاکمه می‌شود». آخرین ویرایش ۲۰ مهر ۱۳۹۲. www.shafaqna.com/persian/law/item/54281.
- دلخوش، علیرضا. «ارجاع وضعیت لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی: گامی شکننده به سوی جهانی‌سازی مقررات حقوق بشر». *فصلنامه سیاست خارجی* ۹۶ (بهار ۱۳۹۰): ۱۰۲-۷۳.
- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین. «تأسیس دیوان کیفری آفریقایی: افسانه یا واقعیت؟». *مجله حقوقی دادگستری* ۸۶ (تابستان ۱۳۹۳): ۱۱۸-۹۳.
- زمانی، سید قاسم. «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیم‌ها و امیدها». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۲ (۱۳۸۱): ۷۸-۵۹.
- زمانی، سید قاسم. «تهدید به عدم همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه». *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی* ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲): ۶۸-۴۳.
- زمانی، سید قاسم. «شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان بین‌المللی کیفری». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۶ (پاییز و زمستان ۱۳۸۳): ۹۰-۶۱.
- کیتی شیایزری و کریانگ ساک. *حقوق بین‌المللی کیفری*. چاپ اول. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- مبارک، عبدالقادر. «مخاصمات مسلحانه در آفریقا؛ نقش سازمان ملل متحد در پیشگیری، خاتمه و صلح‌سازی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۸۶.
- ممتاز، جمشید، و امیر رنجبریان. *حقوق بین‌الملل بشردوستانه «مخاصمات مسلحانه داخلی»*. تهران: میزان، ۱۳۸۷.

ب) منابع انگلیسی

- African Union. "Assembly of the African Union." July 25-27, 2010. https://au.int/sites/default/files/decisions/9630-assembly_en_25_27_july_2010_bcp_assembly_of_the_african_union_fifteenth_ordinary_session.pdf.
- Almond, Christopher K. *International Criminal Justice and the Politics of Compliance*. London: Cornwell, 2010.
- Bangamwabo, Francois-Xavier. *International Criminal Justice and the Protection of Human Rights in Africa*. Namibia: Macmillan Education Namibia, 2009.
- Bantekas, Ilias. "The Contemporary Law of Superior Responsibility." *The American Journal of International Law*, Washington 93(3) (1999): 573-595.

BBC. "African Union Urges ICC to Defer Uhuru Kenyatta Case." Last Accessed June 10, 2014. www.bbc.co.uk/persian/world/2014/04/140405_u07_rwanda_genocide_20th_rape_victim.shtml.

Bellamy, Alex, and Paul D. Williams. "The New Politics of Protection? Côte d'Ivoire, Libya and the Responsibility to Protect." *International Affairs* 84(4) (2011): 825-850.

Bikundo, Edwin. "The International Criminal Court and Africa: Exemplary Justice." *Law and Critique* 23(1) (2012): 21-41.

Cassese, Antonio, Paola Ggaeta, and John R.W.D Jones. *The Rome Statute of International Criminal Court: a Commentary*. Vol. 1. Oxford: Oxford University Press, 2002.

Chatzipanagiotidou, Evropi. "Interview with Mrs Fatou Bensouda the Deputy Prosecutor of the International Criminal Court (ICC) Studies in Ethnicity and Nationalism." *Studies in Ethnicity and Nationalism* 11(1), 2011: 149-156.

Clark, J. N. "Justice and the International Criminal Court." *Journal of International Criminal Justice* 9 (2011): 521-545.

Crey, Robert. *Prosecuting International Crimes*. Cambridge: Cambridge University Press, 2005.

Dersso, Solomon. "The International Criminal Court's Africa Problem." June 12, 2013. <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2013/06/201369851918549.html> (Last Accessed March 15, 2015).

Du Plessis, Max, Tiyanjana Maluwa, and Annie O'Reilly. "Africa and the International Criminal Court." p. 4, July 2013. www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/International%20Law/0713pp_iccafrica.pdf. (November 25, 2014).

Du Plessis, Max. "Implications of the AU Decision to Give the African Court Jurisdiction over International Crimes, No. 235." p. 9. June 2012. <http://www.issafrica.org/uploads/Paper235-AfricaCourt.pdf>. (Last Accessed January 11, 2019).

EuroNews. "Luis Moreno Ocampo: Being a Prosecutor was a Great Privilege." Last Accessed March 14, 2015. www.euronews.com/2012/06/15/luis-moreno-ocampo-being-a-prosecutor-was-a-great-privilege.

Frank, Thomas. *The Power of Legitimacy among Nations*. Oxford: Oxford University Press, 1990.

Genocide Watch. "The International Alliance to End Genocide." Last Accessed January 11, 2019. <http://www.genocidewatch.org/ethiopia.html>.

Human Rights Watch. Last Accessed January 11, 2019. www.hrw.org/node/90620.

ICC Forum. "Profile of Invited Expert "Margaret M.deGuzman" Professor at Temple University's Beasley." 12/03/2014. <http://iccforum.com/user/9131>.

International Criminal Court. "Background Information on the Situation in Uganda." Last Accessed February 14, 2015. http://www.iccpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200204/Pages/situation%20index.aspx.

International Criminal Court. "ICC Prosecutor Ready with Evidence against Darfur War Criminals." Last Accessed February 14, 2015. http://www.iccpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200205/Pages/situation%20icc-0205.aspx.

International Criminal Court. "Understanding the International Criminal Court." Last Accessed January 11,

2019.http://www.iccpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200205/Pages/situation%20icc-0205.aspx.

Jeet, Chandra. "International Criminal Justice: Issues and Perspectives, International Studies." *Jawaharlal Nehru University, New Delhi* 44 (2007): 253-263.

Johnson, Larry D. "UN-based International Criminal Tribunals; How They Mix and Match." *Journal of International Law and Policy, Denver* 36(1) (2008): 275-293.

JURIST, Legal News and Research. "Archive." Last Accessed January 02, 2015. www.jurist.org/paperchase/indexarch.php.

Keppler, Elise. "Managing Setbacks for the International Criminal Court in Africa." *Journal of African Law Cambridge* 56(1) (2012): 1-14.

Malone, Barry. "Africans Push UN to Call off 'Racist' Court." November 15, 2013. <https://www.aljazeera.com/indepth/features/2013/11/africans-push-un-call-off-racist-court-201311145110131757.html>. (Last Accessed 2015/10/14).

Mpilo Tutu, Desmond. "ICC: A Blessing or Curse for Africa?" October 23, 2013. <http://www.swradioafrica.com/Documents/Crisis%20Report%20Issue%20231.pdf>. (Last Accessed January 02, 2015).

Mukum Mbaku, John. "Foresight Africa: Top Priorities for the Continent in 2014, International Justice: the International Criminal Court and Africa." December 26, 2013. www.brookings.edu/~media/Research/Files/Reports/2014/foresight-africa-2014/03-foresight-international-criminal-court-africa-mbaku.pdf?la=en. (Accessed March 27, 2015).

Nalepa, Monika, and Emilia Justyna Powell. "The Role of Domestic Opposition and International Justice Regimes in Peaceful Transitions of Power." *Journal of Conflict Resolution, Maryland Sagepub* 60 (2015): 1-28.

Rome Statute of the International Criminal Court 1998. U.N. Doc.

Sarkin, Jeremy. "The Role of the International Criminal Court (ICC) in Reducing Massive Human Rights Violations Such as Enforced Disappearances in Africa: Towards Developing Transitional Justice Strategies, Studies in Ethnicity and Nationalism." *Studies in Ethnicity and Nationalism* 11(1) (2011): 130-142.

Schabas, William. *An Introduction to the International Criminal Court*. Cambridge: Cambridge University Press, 2007.

Taddele Maru, Mehari. "The Future of the ICC and Africa: the Good, the Bad, and the Ugly." October 11, 2013. www.aljazeera.com/indepth/opinion/2013/10/future-icc-africa-good-bad-ugly-20131011143130881924.html. (Last Accessed January 11, 2019).

Tams, Christian J. *Prospect for Humanitarian Uses of Force, Realizing Utopia: The Future of International Law*. Oxford: Oxford University Press, 2012.

The Observer. Last Accessed January 11, 2019. www.observer.ug/word=AFRICA&ordering=newest&searchphrase=all&limit=20/.

Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.

Wemmers, Jo-Anne. "Victims and the International Criminal Court (ICC): Evaluating the Success of the ICC With Respect to Victims." *International Review of Victimology, Great Britain* 16 (2009): 211-227.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVII, No. 4

2019-4

- **The Respect for Competition Principle in Public Contracts**
Dr. Hasan Naemeh
- **State Terrorism: Supposition or Reality?!**
Navab Mohammadi Dehcheshmeh
- **Comparative Study of Predictability Damage Criterion in Iranian and England Laws**
Mohsen Jafari Behzadkalaee - Dr. Hamid Abhary
- **The Legal Requirements and Principles in New Iranian Petroleum Contracts (I.P.C)**
Mahdi Haghghighian - Dr. Alireza Ebrahimgol
- **The Iran's Rights to Orbital Points from the Point of View of International Law**
Farnaz Foroutanian Shahrabaki - Dr. Fatemeh Fathpour
- **The Status of Resolutions of the UN General Assembly among the Sources of International Law**
Jamshid Mazaheri
- **Legal Effects of African's Withdrawal from the International Criminal Court**
Mohammad Alipour
- **Penal Populist Reactions on Contrast of Violent Crimes in Iran**
Dr. Mohammad Bagher Moghaddasi - Dr. Mohammad Farajiha
- **Postponement of Sentences and its Consequences**
Mohammad Javad Alizadeh Goudarzi - Dr. Abolfath Khaleghi
- **The Role of Biotechnology in Right to Food**
Seyedeh Kiana Banikamali
- **Cyber War Crimes**
Author: David P. Fidler - Translator: Amin Zahmatkesh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study